



پیوستگی و همبستگی "زن" در تحلیل پیکره-بنیاد ضرب‌المثل‌های ایرانی: بررسی تطبیقی تحلیل گفتمان

آسیه ایمانی^۱
عباس اسلامی راسخ^۲

چکیده

هدف پژوهش بررسی و مقایسه پیوستگی و همبستگی ضرب‌المثل‌های مربوط به زن در دو فرهنگ *امثال وحکم* و *کوچه* است. چهارچوب نظری تحلیل، فراکارکرد متنی هلیدی-متیسن است. روش پژوهش هم دارای مؤلفه‌های کیفی و هم رویکرد کمی است که برگرفته از ابزارهای انسجام و محاسبه میزان همبستگی بین تعداد واژه‌ها و تعداد عوامل پیوستگی براساس سنجه‌های همبستگی پیرسون، خی‌دو و میانه است. نتایج نشان می‌دهد هر دو عامل پیوستگی دستوری و واژگانی در دو فرهنگ به کار گرفته می‌شوند اما با توزیعی متفاوت؛ در $18/83\%$ از *کوچه* و $31/47\%$ از *امثال وحکم* هیچ عامل پیوستگی وجود ندارد که در این موارد عامل انسجام حاصل از همبستگی است؛ سنجه پیرسون نشان می‌دهد در *امثال وحکم* بین تعداد واژه‌ها و تعداد پیوستگی، همبستگی بالاتری نسبت به *کوچه* وجود دارد که هر دو معنادار بوده ($P < 0/01$) و نشان می‌دهد گفتمان ضرب‌المثل‌ها به لحاظ پیوستگی، پیوستاری می‌سازد که دو سوی آن بیشینگی و کمینگی است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان، انسجام، ضرب‌المثل، زن

✉ asiyehimani@gmail.com

✉ abbasselamirasekh@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۸/۲۶

۱- دانشجوی دکترای زبان‌شناسی همگانی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

۲- دانشیار گروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۲/۲۷

۱. مقدمه

ضرب‌المثل‌ها به‌عنوان یکی از انواع گفتمان، پدیده‌هایی مفهومی و جهانی هستند که دارای ارزش بین‌فرهنگی و ارتباطی بوده و منبعی مناسب و مهم برای شناخت ملت‌ها و تحول فکری آنان به‌شمار می‌روند. به‌عبارتی، ضرب‌المثل‌ها دانش زمینه‌ای و باورهای فرهنگی را در هر جامعه در قالب گفتمان شرح می‌دهند و به لحاظ کاربردشناختی نیز برای اهداف ارتباطی استفاده می‌شوند (Moreno, 2005: 42). بنابراین، ضرب‌المثل‌ها یک نوع رده‌شناسی خاص از الگوهای بیان تفکر محسوب می‌شوند. هدف پژوهش در سطح کلان بررسی گفتمان ضرب‌المثل‌ها به‌عنوان یکی از انواع گفتمان، شناخت ویژگی‌های آن و چگونگی درک آن توسط گویشوران زبان است و با توجه به اینکه تاکنون هیچ پژوهشی به بررسی و مقایسه‌ی عامل انسجام و نوع گفتمان در دو فرهنگ رایج فارسی (امثال‌وحکم و کوچه) نپرداخته است، انجام چنین پژوهشی ضروری به‌نظر می‌رسد.

مسأله‌ی نگارندگان بازنمایی شیوه‌ی بروز نگرش‌ها به زن در قالب ضرب‌المثل‌های ایرانی است. اما از سوی دیگر و در سطح خرد (که تحدیدکننده‌ی پژوهش و بیان مسأله خرد تلقی می‌گردد). هدف این پژوهش بازبینی ضرب‌المثل‌های این دو پیکره‌ی زبانی درباره‌ی "زن" می‌باشد. بدین ترتیب، چهارچوب نظری مناسب برای این پژوهش، فراکارکرد متنی نقشی نظام‌وار است که در آن عوامل انسجام (پیوستگی-همبستگی)، متنیت^۲ یک گفتمان را می‌سازند. این دو عامل در سراسر یک گفتمان با ایجاد پیوندهایی از یک جمله به جمله‌ی دیگر و از یک پاراگراف به پاراگراف دیگر، متن را به هم متصل نگه می‌دارند (Young & Fitzgerald, 2006: 15). نگارندگان در این پژوهش قصد دارند با تکیه بر مؤلفه غیرساختاری فراکارکرد متنی^۳ به معرفی گفتمان کمینه^۴ و بیشینه^۵ پردازند. فراکارکرد متنی بررسی زبان و به‌طور خاص بند از دیدگاه ساخت پیام است. از دیدگاه دستور نقش‌گرای نظام‌وار این فراکارکرد به دو بخش ساختاری و غیرساختاری تقسیم می‌گردد. بخش اول به بررسی ساخت‌های مبتدایی^۶ و اطلاعی^۷ می‌پردازد و بخش دوم بررسی متن از نظر انسجام است (Halliday&Hasan, 1976: 29).

پرسش‌های پژوهش عبارتند از: (۱) کدام عوامل انسجام در کوچه و امثال‌وحکم به کار گرفته می‌شوند و فراوانی هر کدام از این عوامل چگونه است؟ (۲) چه رابطه‌ای بین تعداد عوامل پیوستگی و تعداد واژه‌ها در گفتمان دو فرهنگ وجود دارد؟ (۳) کدام فرهنگ پیوسته‌تر و بیشینه و کدام فرهنگ همبسته‌تر و در نتیجه کمینه‌تر است؟

-
1. Cohesion and Coherence
 2. Texture
 3. Textual meta-function
 4. Minimal Discourse
 5. Maximal Discourse
 6. Thematic Structure
 7. Information Structure

محدودیت‌های پژوهش عبارتند از: (۱) فقط آن دسته از ضرب‌المثل‌هایی که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در باب زن بوده و حداقل متشکل از یک جمله هستند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. منظور از ضرب‌المثل‌های زنان آن دسته از ضرب‌المثل‌هایی است که یا به صورت مستقیم واژه زن و کلمات مرتبط با آن مثل انواع واژه‌های خویشاوندی زنان، اندام‌واژه‌های زن، شغل‌واژه‌های زن و یا اسامی خاص زنان را در ترکیب خود دارند و یا مفهوم کلی آنها به صورت مستقیم، غیرمستقیم، آشکار و یا پنهان به زن اشاره دارد. (۲) در شمارش تعداد واژه‌ها در هر ضرب‌المثل، ضمائر، واژه‌بست‌ها و مقوله‌های اصلی زبانی (اسم، فعل، صفت، قید و...) هر کدام به عنوان یک واژه محسوب شده‌اند. (۳) القاب به تنهایی یک واژه محسوب نشده‌اند، بلکه القاب به همراه اسمی که با آنها می‌آید یک واژه محسوب شده‌اند. (۴) کلمات مرکب و آن دسته از عباراتی که روی هم رفته یک مقوله زبانی مستقل (اسم، صفت و قید و...) را می‌سازند، به صورت یک واژه در نظر گرفته شده‌اند. (۵) "که" دستوری (پیوندگر جمله‌واره‌ای^۱ در فارسی) فقط به عنوان یک عامل پیوستگی دستوری در نظر گرفته شده است که در سطح جمله‌واره عمل می‌کند و زیرمقوله خاصی از انواع پیوستگی دستوری برای آن تعیین نشده است. چون در زبان‌شناسی و در هر چارچوب نظری نباید بین صورت و معنا خلط رخ دهد. "که" در فارسی اساساً دارای نقش‌های کارکردی - نحوی است و در اینجا بررسی انواع "که" براساس معانی مختلف آن صورت گرفته، اما کارکردهای گفتمانی این پیوندگر تاکنون به صورت جداگانه مورد بررسی قرار نگرفته و بررسی نقش‌های مختلف آن نیازمند پژوهش مستقل دیگری است.

۲. پیشینه پژوهش

۱-۲. چهارچوب نظری

زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌وار^۲ رویکردی است برای درک کارکردهای زبان و انتخاب‌هایی که افراد هنگام صحبت کردن/نوشتن برای تبادل معنی با خوانندگان/شنوندگان دست به آن می‌زنند. این روش تحلیل‌گر زبان را به یک روش شناختی برتر مجهز کرده و تحلیل‌های او را از سوگیری نگه می‌دارد. در الگوی هلیدی-متیسن^۳، گزینش‌های متنی، بین‌شخصی^۴ و اندیشگانی^۵ الگوهای معنی را به عنوان لایه‌های متن ایجاد می‌کنند (Halliday-Matthiessen, 2004: 529).

به عقیده هلیدی-متیسن در هر متن مجموعه‌ای از سامانه‌های دستوری-واژگانی وجود دارد که به ویژه به عنوان منبع فراتر بردن مرزهای جمله‌واره-حیطه بالاترین مرتبه واحد دستوری-را ممکن می‌سازد. این سامانه‌های دستوری-واژگانی از فراکارکرد متنی نشأت می‌گیرند و روی هم رفته به عنوان سامانه انسجام شناخته می‌شوند. بنابراین، در هر متنی برخی ابزارها وجود دارد که کل متن را یکدست و منسجم می‌کند.

1. Clausal Linker
2. Systemic functional linguistics
3. Halliday-Matthiessen
4. Interpersonal
5. Ideational

یکی از این ابزارها پیوستگی^۱ است و دیگری همبستگی^۲. پیوستگی پیوند درونی بین جمله‌واره‌ها در گفتمان است در حالی که همبستگی پیوند بین گفتمان، موقعیت و یا بافت گسترده‌تر فرهنگ است که گفتمان در آن رخ می‌دهد (Young & Fitzgerald, 2006: 129).

پیوستگی در متن به شیوه‌های گوناگونی ایجاد می‌شود. خارج از طیف دستوری- واژگانی، منابع موقعیتی (بافتی) و معنایی نیز برای ایجاد و تفسیر متون استفاده می‌شوند (Halliday-Matthiessen, 2004: 532). در انگلیسی به چهار روش پیوستگی در متن ایجاد می‌شود: (۱) پیوند^۳؛ (۲) ارجاع^۴؛ (۳) حذف^۵، (۴) سازماندهی واژگانی^۶ (همان: ص ۵۳۳). در زیر سامانه پیوستگی موردنظر هلیدی- متیسن آورده شده است:

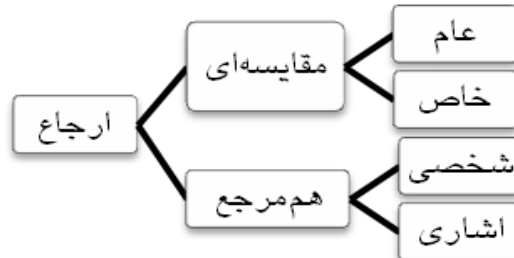
جدول ۱: انواع پیوستگی

نوع کلی		محدوده دستوری [واحد دستوری (مکان)]	محدوده واژگانی [عضوواژگی ^۷]
انتقال بین پیام‌ها		پیوند [واحد: جمله‌واره]	
وضعیت عناصر	در معنا	ارجاع [واحد: گروه اسمی و قیدی]	پیوستگی واژگانی [تکرار ^۸ ، شمول معنایی ^۹ ، مترادف ^{۱۰} و باهم‌آیی ^{۱۱}]
	در واژه‌سازی	جانشینی ^{۱۲} و حذف [واحد: جمله‌واره (مرکب)، گروه اسمی و گروه قیدی]	

(هلیدی-متیسن، ص ۵۳۸)

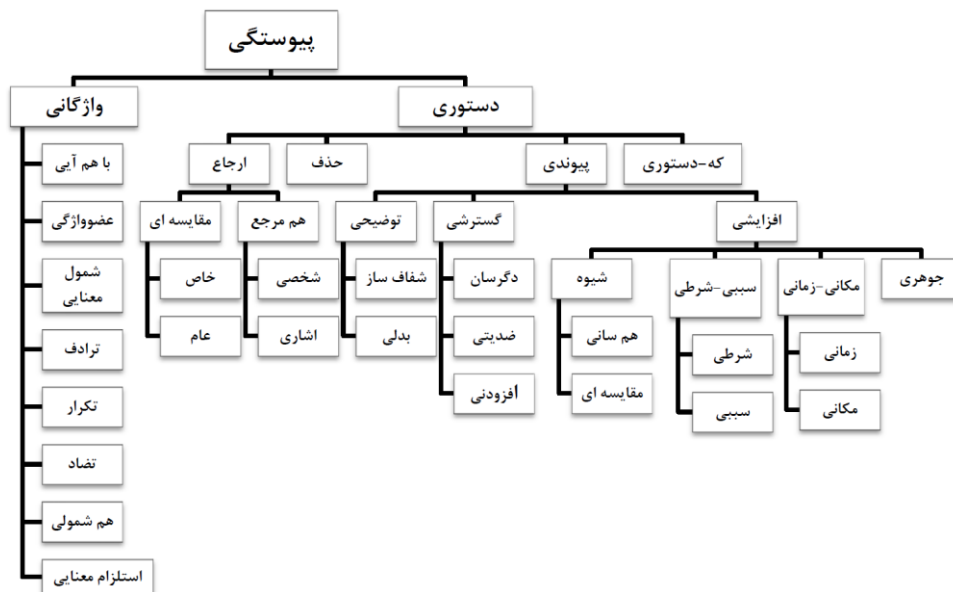
عامل ارجاع مطابق با الگوی هلیدی- متیسن (همان: ص ۵۵۳) نیز خود دارای انواعی است که نمودار آن ترسیم شده است:

1. Cohesion
2. Coherence
3. Conjunction
4. Reference
5. Ellipsis
6. Lexical Organization
7. Meronymy
8. Repetition
9. Hyponymy
10. Synonymy
11. Collocation
12. Substitution



نمودار ۱: انواع پیوستگی ارجاعی هلیدی - متیسن

نگارندگان با توجه به پیکره مورد بررسی و به منظور تحلیل دقیق تر داده‌ها، تغییراتی را در الگوی هلیدی - متیسن ایجاد نموده‌اند. از جمله اینکه به دلیل اهمیت و فراوانی بالای تضاد، هم‌شمولی^۲ و استلزام معنایی^۳، این سه عامل را به عوامل واژگانی و که دستوری را نیز به عوامل دستوری اضافه نموده‌اند و در بررسی عامل پیوندی و انواع آن که در نمودار ۲-۹ (Halliday-Matthiessen, 2004: 541) آمده است به دلیل وجود جزئیات زیاد تنها تا مرحله دوم از این تقسیم‌بندی در بررسی ضرب‌المثل‌ها استفاده شده است و از ذکر نام تقسیم‌بندی‌های ریزتر اجتناب شده است. در زیر، نمودار الگوی هلیدی - متیسن به همراه تغییرات نگارندگان در باب پیوستگی آورده شده است:



نمودار ۲: پیوستگی و انواع آن

1. Antonymy
2. Co-hyponymy
3. Entailment

ویدوسون (Widdowson, 1978: 26-31) نیز پیوستگی را از همبستگی متمایز کرده و می‌گوید پیوستگی پیوندهای بارز میان گزاره‌هاست در صورتی که همبستگی رابطه میان کارگفت‌های منظوری^۱ میان گزاره‌هاست. برای همین از نظر وی همبستگی وقتی ایجاد می‌شود که میان گزاره‌ها رابطه کارکردی برقرار باشد و پیوستگی ممکن است برای همبستگی لازم باشد ولی همبستگی الزاماً وابسته به پیوستگی نیست و یک متن می‌تواند بدون داشتن پیوستگی، همبسته باشد.

۲-۲. مطالعات پیوستگی و همبستگی (انسجام)

از جمله پژوهش‌های انجام شده در باب انسجام، پیوستگی و همبستگی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: دان‌چوا-ناوراتیلوا و پوولنا (Dontchea-Navratilova and Povolna, 2009: ix) پیوستگی و همبستگی را در گفتمان انگلیسی نوشتاری و گفتاری بررسی می‌کنند. آنها بر این مطلب متمرکز می‌شوند که پیوستگی و همبستگی را به‌عنوان مؤلفه‌های ارتباط بشری مفهوم‌سازی می‌کنند. بابلتزر (Bablitz, 1999) به نقل از دان‌چوا-ناوراتیلوا و پوولنا، (۲۰۰۹: ix) می‌گوید در حالی که پیوستگی به‌عنوان یک مقوله مفید و سامان‌یافته برای تحلیل متن و گفتمان پذیرفته شده است، همبستگی مفهومی است که دارای پیچیدگی است و هنوز توسط همه زبان‌شناسان کاملاً تفهیم نشده و راجع به آن اتفاق نظر ندارند.

برزلانویچ (Berzalanovich, 2008: 8) بر پیوستگی و سازماندهی گفتمان تمرکز کرده و چنین نتیجه می‌گیرد که هم برای همبستگی و هم تحلیل پیوستگی واژگانی، واحدهای اولیه گفتمانی^۲، جمله‌واره‌ها هستند. درک عناصر کارکردی ساختار ژانر در متون متفاوت است؛ هم همبستگی و هم پیوستگی واژگانی مورد تحلیل قرار می‌گیرند تا مشخص شود هر یک چگونه به مرکزیت واحدهای گفتمانی کمک می‌کنند و سنجش مرکزیت در پیوستگی واژگانی باید توسعه پیدا کند.

جاسا (Jasa, 2009: iv) ترکیبی از چهارچوب نظری هلیدی-حسن و دولی-لوینسون^۳ (۲۰۰۱) را در سه متن داستانی (روایی) عامیانه یکی از گونه‌های زبان تایلندی که از گویشوران لاهوسی^۴ ساکن استان چیانگ‌رای^۵ برگرفته شده است، پیاده می‌کند. تحلیل او سه منبع عمده پیوستگی گفتمانی یافت شده در متون لاهوسی انتخابی را در بر می‌گیرد. این منابع عبارتند از: پیوستگی از طریق هویت، پیوستگی از طریق رابطه واژگانی و پیوستگی از طریق پیوند (حروف ربط). وی چنین نتیجه می‌گیرد که این سه منبع پیوستگی در هر سه متن انتخابی مورد استفاده واقع می‌شود، اما میزان توزیع فراوانی هر یک از این منابع با یکدیگر متفاوت است.

-
1. Illocutionary Acts
 2. EDU (Elementary Discourse Units)
 3. Dooley and Levinson
 4. Lahu Si
 5. Chiang Rai

کریستی، آید و رماری (Cristea, Ide, and Romary, 1998: 8) نظریهٔ انشعاب^۱ را پیشنهاد می‌کنند که این نظریه پیوستگی گفتمانی و گفتمان در ارتباط با ساختار گفتمانی را توجیه و تخمین می‌زند. کونتنتو (Contento, 2000: 701) به بررسی پیوستگی حرکتی^۲ در گفتمان پرداخته و می‌گوید واژه‌ها و حرکات (بدن) متعلق به سامانه درونی یکسانی از برنامه‌ریزی شناختی هستند. یانگ و فیتزجرالد (Young & Fitzgerald, 2006: 2) زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌وار را با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی ترکیب کرده و به بررسی رویدادهای گفتمانی متفاوت در زندگی روزانه می‌پردازند. تابوآدا^۳ (۲۰۰۴) ابزارهایی را بررسی می‌کند که گویندگان هنگام ایجاد مکالمات به کار می‌گیرند. این ابزارها به پیوستگی و همبستگی متونی کمک می‌کند که گویندگان ایجاد کرده‌اند و به صورت تعاملی هنگام کمک و مشارکت با یکدیگر آن را حفظ می‌کنند. این تحلیل نشان می‌دهد که هر مرحله در مکالمات روابط موضوعی، معنایی و انسجامی متفاوتی را نشان می‌دهد.

کرل^۴ (۱۹۸۲) مفهوم پیوستگی به‌عنوان ابزاری برای سنجش همبستگی متن را مورد انتقاد قرار داده و با چشم‌انداز مختصری از مفهوم پیوستگی مورد نظر هیلیدی-حسن (۱۹۷۶) به‌عنوان شاخصی از پیوستگی متنی، بحث خود را شروع می‌کند. سپس، مفهوم پیوستگی به‌عنوان سنجش همبستگی متنی در پرتو دیدگاه‌های نظری-طرح‌واره‌ای پردازش متن (به‌عنوان مثال خواندن) به‌عنوان یک فرآیند (پردازش) تعاملی بین متن و خواننده را مورد انتقاد قرار می‌دهد و محتاطانه چنین نتیجه می‌گیرد که محققان و مدرسان زبان دوم (EFL/ESL) انتظار نداشته باشند که نظریهٔ پیوستگی، راه‌حلی برای حل مشکلات همبستگی خواندن/نوشتن در سطح متن باشد.

یه^۵ (۲۰۰۴) می‌گوید رابطهٔ پیوستگی و همبستگی همیشه یک مسأله محوری در مطالعهٔ پردازش گفتمان بوده است. وی چندین متن چینی را با تمرکز بر استفاده از روابط پیوندی و ارجاعی مورد تحلیل قرار داده است. تحلیل او نشان می‌دهد که پیوستگی به‌عنوان ویژگی‌های زبانی روساختی، نمی‌تواند کاملاً همبستگی یک متن را توجیه کند. در عوض، روابط معنایی زیرساختی به همراه ادراکات خوانندگان یک متن بایستی برای ساخت تصویر کاملی از پردازش گفتمان، مورد ملاحظه قرار گیرد. سایر افرادی که در باب انسجام پژوهش انجام داده‌اند، عبارتند از: براون و یول^۶ (۱۹۸۳) و ریپچ و ترل^۷ (۱۹۸۸).

حال، به پژوهش‌هایی که در باب ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات انجام پذیرفته‌اند، پرداخته می‌شود:

-
1. Vein Theory
 2. Gestural Cohesion
 3. Taboada
 4. Carrell
 5. Yeh
 6. Brown and Yule
 7. Ripich and Terrell

استورم^۱ (۱۹۹۲) زنان در ضرب‌المثل‌های ژاپنی، هارنیش^۲ (۱۹۹۳)، ایجاد ارتباط با استفاده از ضرب‌المثل‌ها، استین^۳ (۲۰۰۶) بازتاب زندگی خردمندان: تحلیل ضرب‌المثل‌ها، فاکویا^۴ (۲۰۰۷) ضرب‌المثل‌های جنسی و ارتباط گفتمانی: بصیرت‌هایی از یوروبا^۵، و بریگز (۱۹۸۵)، کاربردشناسی کنش ضرب‌المثلی در اسپانیایی مکزیکی را مورد بررسی قرار می‌دهند. در میان ایرانیان نیز شاملو (۱۳۸۷)، آریانفر (۱۳۸۵)، برزن (۱۳۸۵)، ساده (۱۳۵۵) و سونو (۱۳۸۴) به بررسی ضرب‌المثل‌ها می‌پردازند.

۳. روش

پژوهش حاضر پیکره-بنیاد و دارای ماهیتی کمی-کیفی است و در چهارچوب زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌وار هلیدی-متیسن (۲۰۰۴) به بررسی و تحلیل آماری مقوله انسجام می‌پردازد. پیکره پژوهش از میان دو فرهنگ فارسی ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات فارسی به شرح زیر انتخاب شده است: ۱- /مثال و حکم اثر دهخدا متشکل از ۴ جلد و ۲۰۶۴ صفحه و ۲- کوچه اثر شاملو دارای ۱۱ جلد و ۸۶۱۶ صفحه. پیکره مورد نظر در مجموع شامل ۱۰۲۱ ضرب‌المثل در باب زن (کوچه=۴۴۶ و /مثال و حکم=۵۷۵)، ۱۰۷۵۱ واژه و ۳۲۹۵ عامل مختلف پیوستگی است. تمامی مدخل‌های اصلی و فرعی دو فرهنگ مورد بررسی قرار گرفته‌اند و از میان همه آنها تنها آن دسته از ضرب‌المثل‌ها که حداقل متشکل از یک جمله هستند انتخاب شده‌اند. سپس، با وارد کردن داده‌ها در نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس^۶ در قالب چهار ستون ۱- شماره ضرب‌المثل، ۲- تعداد عوامل پیوستگی در هر ضرب‌المثل، ۳- تعداد واژه در هر ضرب‌المثل و ۴- نسبت تعداد عوامل پیوستگی به تعداد واژه‌ها در هر ضرب‌المثل و با استفاده از سنجه همبستگی پیرسون^۷ رابطه بین تعداد عوامل پیوستگی و تعداد واژه‌ها مورد بررسی و تحلیل آماری قرار گرفته است. همچنین، برای مقایسه گفتمان دو فرهنگ در متغیرهای تعداد پیوستگی و تعداد واژه‌ها و رابطه بین این دو از سنجه‌های آماری میانه^۸ و خی‌دو^۹ استفاده شده است.

۴. تحلیل داده‌ها و بحث

در این بخش، با ذکر نمونه‌هایی از هر دو فرهنگ، استخراج تعداد عوامل پیوستگی و تعداد واژه در هر ضرب‌المثل در قالب جداول مربوطه و نتایج سنجه‌های آماری به تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود:

-
1. Storm
 2. Harnish
 3. Steyn
 4. Fakoya
 5. Yoruba
 6. SPSS
 7. Pearson Correlation Test
 8. Median Test
 9. Chi-Square Test

جدول ۲: نمونه‌های استخراج شده از فرهنگ کوچه

تعداد عوامل پیوستگی / تعداد واژه	تعداد واژه	تعداد عوامل پیوستگی	ضرب‌المثل
۰	۵	۰	۱- کوچه نرفتن بی‌بی از بی‌چادری است.
۰/۴	۵	۲ استلزام معنایی=۱ افزایشی زمانی=۱	۲- زن تا نژاید بیگانه است.
۰/۴۱	۱۲	۵ تضاد=۱ حذف=۱ که دستوری=۱ ارجاع شخصی=۲	۳- شلوار مرد که دوتا شد، خونه‌ش تنگ میشه، زنش زشت.
۰/۲	۵	۱ گسترشی افزودنی=۱	۴- بکشین و خوشگلم کنین
۰/۲۵	۸	۲ هم‌شمولی=۱ افزایشی شرطی=۱	۵- اگر تو مادری، من عمه هستم
۰/۴	۵	۲ تضاد=۲	۶- روز کلفتی، شب خانم
۰/۵	۸	۴ باهم‌آیی=۳ عضوواژگی=۱	۷- عروس بی‌جهاز، روزه بی‌نماز، دعای بی‌نیاز، قورمه بی‌پیاز.
۱/۲۵	۴	۵ تضاد=۱ شمول معنایی=۱ هم‌شمولی=۱ حذف=۲	۸- پسر نعمت است دختر رحمت

در جدول (۲) نمونه‌های انتخابی از کوچه، نمایش داده شده است تا علاوه بر درک چگونگی و انواع انسجام و رابطه آن با عوامل پیوستگی، همبستگی و تعداد واژه‌ها، نحوه تحلیل نگارندگان نیز روشن شود. همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، حداقل تعداد پیوستگی صفر است اما حداکثر تعداد پیوستگی مقدار مشخصی نداشته و بسته به نوع متن و گفتمان می‌تواند متفاوت باشد.

جدول ۳: نمونه‌های استخراج شده از فرهنگ/امثال و حکم

تعداد عوامل پیوستگی / تعداد واژه	تعداد واژه	تعداد عوامل پیوستگی	ضرب‌المثل
.۵۷	۷	۴ افزایشی شرطی=۱ هم‌شمولی=۱ عضوواژگی=۱ باهم‌آیی=۱	۱- اگر خاله‌ام ریش داشت، آقا دائم بود.
.۱۶	۱۰	۶ افزایشی زمانی=۲ استلزام معنایی=۱ تکرار=۱ پیوندی افزودنی=۱ تضاد=۱	۲- زن تا نژاید دلبر است و چون بزیاید مادر است.
۰	۶	۰	۳- این حرف‌ها واسه فاطمی تبتان نمی‌شه.
.۱۲	۵	۱ عضوواژگی=۱	۴- زیر پای مادران باشد جنان.
۰	۶	۰	۵- خانه شوهر هفت خمره زرداب دارد.
.۲۵	۴	۱ شمول معنایی=۱	۶- دختر تخم تر تیزک است.
.۲۵	۴	۱ عضوواژگی=۱	۷- خون زن شوم است.
۰	۵	۰	۸- خواهر شوهر عقرب زیر فرش است.
۰	۴	۰	۹- گوز کدبانو صدا ندارد.
.۱۶۶	۶	۴ گسترشی افزودنی=۱ تضاد=۱ باهم‌آیی=۱ هم‌شمولی=۱	۱۰- زن و شوهر دعوا کنند، ابلهان باور کنند.

در جدول (۳) نیز همچون کوچه، نمونه‌های انتخابی از امثال و حکم مشاهده می‌شود. در ضرب‌المثل‌های این فرهنگ نیز حداقل تعداد پیوستگی صفر بوده اما حداکثر تعداد آن متغیر بوده و بستگی به نوع متن دارد. در جدول زیر توزیع فراوانی عوامل مختلف پیوستگی در دو فرهنگ ذکر شده است:

جدول ۴: توزیع فراوانی عوامل مختلف پیوستگی در کوچه و امثال و حکم

امثال و حکم	کوچه	فرهنگ	
		دستوری	واژگانی
۳/۲۵٪	۴/۰۴٪	حذف	پیوستگی
۱۱٪	۹/۴۹٪	ارجاع	
۲۷/۶۸٪	۱۴/۷۱٪	پیوند	
۱۰/۰۲٪	۶/۳۲٪	که دستوری	
		جمع کل عامل دستوری	
۱/۳۹٪	۱/۶۶٪	ترادف	
۱/۸۵٪	۱/۱٪	شمول معنایی	
۸/۷۲٪	۱۸/۱۷٪	هم‌شمولی	
۳/۷۱٪	۶/۹۱٪	عضوواژگی	
۱۴/۱۵٪	۱۲/۰۶٪	تضاد	
۱/۷٪	۰/۸٪	استلزام معنایی	
۴/۱۸٪	۸/۸۳٪	باهم‌آیی	
۰/۲٪	۳/۰۹٪	باهم‌آیی نشان‌دار	
۱۲/۰۸٪	۱۳/۷۶٪	تکرار	
		جمع کل عامل واژگانی	

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، در کوچه فراوانی کل عامل واژگانی (۶۵/۴۱٪) بیشتر از فراوانی عامل دستوری (۳۴/۵۸٪) است در حالی که در امثال و حکم عکس آن صادق بوده و فراوانی عامل واژگانی (۴۸/۰۳٪) کم‌تر از عامل دستوری (۵۱/۵۹۶٪) است. همچنین، فراوانی عامل پیوستگی در کوچه هم‌شمولی (۱۸/۱۷٪) و کم‌ترین آن مربوط به ترادف (۰/۶۶٪) است در حالی که در امثال و حکم فراوانی عامل، عامل پیوندی (۲۷/۶۸٪) و کم‌ترین آن مربوط به عامل باهم‌آیی (۰/۲٪) است. از آنجا که عوامل ارجاعی و پیوندی خود دارای زیرشاخه‌های متفاوتی هستند، فراوانی هر یک از زیرشاخه‌های این دو عامل نیز به صورت جداگانه و در قالب جداول زیر در دو فرهنگ نمایش داده می‌شود:

جدول ۵: توزیع فراوانی زیرشاخه‌های عامل پیوستگی ارجاعی در کوچه و امثال و حکم

امثال و حکم	کوچه	فرهنگ	
		هم‌مرجع	ارجاع
۹/۴۵٪	۸/۱۶٪	شخصی	ارجاع
۱/۴۴٪	۱/۳۲٪	اشاری	
۰/۰۵٪	۰	عام	
۰/۰۵٪	۰	خاص	

جدول (۵) نشان می‌دهد که هم در کوچه و هم در امثال و حکم فراوانی ارجاع از نوع هم‌مرجع^۱ بسیار بالاتر از ارجاع مقایسه‌ای^۲ است. همچنین، در میان عوامل ارجاعی هم‌مرجع، ارجاع شخصی در هر دو فرهنگ فراوانی فراوانی بیشتری نسبت به ارجاع اشاری دارد و در میان عوامل ارجاعی مقایسه‌ای، ارجاع عام^۳ و خاص^۴ هر دو در کوچه صفر و در امثال و حکم نیز فراوانی بسیار پایینی دارند (هریک ۰/۰۵٪).

جدول ۶: توزیع فراوانی زیرشاخه‌های عامل پیوستگی پیوندی در کوچه و امثال و حکم

امثال و حکم	کوچه	فرهنگ		
		توضیحی	افزایشی	
۰	۰	شفاف‌ساز	عوامل پیوندی	
۰	۰	بدلی		
۱۴/۸۲٪	۷/۵۷٪	افزودنی		
۱/۹۶٪	۰/۹۵٪	ضدیتی		
۱/۷٪	۱/۳۹٪	دگرسان		
۰/۱٪	۰	کیفی		
۱/۸٪	۰/۲۹٪	سببی		افزایشی
۵/۲۶٪	۳/۳۱٪	شرطی		
۰	۰	مکانی		
۲/۰۱٪	۱/۱۷٪	زمانی		
۰	۰	جوهری		

در جدول (۶) توزیع فراوانی زیرشاخه‌های مختلف عامل پیوندی ذکر شده است. در هر دو فرهنگ زیرشاخهٔ افزودنی^۵، بیشترین فراوانی (کوچه=۷/۵۷٪ و امثال و حکم=۱۴/۸۲٪) و زیرشاخه‌های شفاف‌ساز^۶، بدلی^۷، مکانی^۸، جوهری^۹ با فراوانی صفر، کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. زیرشاخهٔ کیفی^{۱۰} نیز در کوچه کوچه دارای فراوانی صفر اما در امثال و حکم ۰/۱٪ است.

1. Co-Reference
2. Comparative
3. General
4. Specific
5. Additive
6. Clarifying
7. Appositive
8. Spacial
9. Matter
10. Manner

جدول ۷: توزیع فراوانی ویژگی‌های کمی پیوستگی در کوچه و امثال و حکم

فرهنگ	NP	NGD	NLD	NCD	NW	NC=0	NC=1	NC=2	NC=3	NC>3	Max of NC	Max of NW	Min of NC	Min of NW	کوچه	
															فراوانی	درصد
کوچه	۴۴۶	۴۷۰	۸۸۹	۱۳۵۹	۴۰۵	۸۴	۶۵	۸۰	۶۵	۱۵۶	۱۸	۳۶	۰	۳	۹۷** ۳۴/	۶۹** ۳۷/
امثال و حکم	۵۷۵	۱۰۰۶	۹۳۰	۱۹۳۶	۶۶۹	۱۸۱	۸۰	۱۱۲	۸۱	۲۲۲	۵۸	۲۴۴	۰	۳	۶۶** ۳۸	۴۹** ۳۲/

* درصد فراوانی محاسبه شده از کل پیکره (کوچه + شاملو) به دست آمده است.

** درصد فراوانی محاسبه شده از پیکره هر فرهنگ به صورت جداگانه به دست آمده است.

جدول (۷) نمای کلی توزیع فراوانی پیوستگی و سایر ویژگی‌های کمی را دو فرهنگ نشان می‌دهد. ابتدا علائم اختصاری موجود در جدول معرفی می‌شوند: (NP = تعداد ضرب‌المثل، NGD = تعداد عوامل پیوستگی دستوری، NLD = تعداد عوامل پیوستگی واژگانی، NCD = تعداد کل عوامل پیوستگی، NW = تعداد واژه، NC = تعداد ضرب‌المثل‌های دارای پیوستگی صفر، NC=1 = تعداد ضرب‌المثل‌های دارای پیوستگی یک و همین‌طور NC=2, NC=3 و NC>3 هر یک نشان‌دهنده تعداد پیوستگی می‌باشند. چهار ستون آخر نیز نمایانگر حداکثر و حداقل تعداد عوامل پیوستگی و تعداد واژه در ضرب‌المثل‌های موجود در هر فرهنگ می‌باشند. در امثال و حکم مقادیر حداکثر برای هر دو مورد (تعداد واژه و تعداد پیوستگی) از کوچه بیشتر است اما مقادیر حداقل در هر دو فرهنگ برابر است. تحلیل‌های دقیق‌تر با استفاده از سنجه‌های آماری همبستگی پیرسون، میانه و خی‌دو انجام شده است که نتایج آن در قالب جداول زیر ارائه می‌شود:

جدول ۸: نتایج سنجه همبستگی پیرسون بین تعداد پیوستگی و تعداد واژه‌ها در کوچه و امثال و حکم

متغیر	فرهنگ	تعداد	مقدار همبستگی	سطح معناداری
تعداد پیوستگی	کوچه	۴۴۶	۱	۰
		۴۴۶	۰/۷۷	۰/۰۰۰۱
تعداد پیوستگی	امثال و حکم	۵۷۵	۱	۰
		۵۷۵	۰/۸۷	۰/۰۰۰۱

همان‌طور که جدول (۸) نشان می‌دهد در کوچه، همبستگی پیرسون بین تعداد عوامل پیوستگی و تعداد واژه ۰/۷۷ است در حالی که در امثال و حکم ۰/۸۷. و هر دوی این مقادیر به لحاظ آماری معنادار هستند ($p < ۰/۰۱$). بنابراین، می‌توان گفت در هر دو فرهنگ بین تعداد پیوستگی و تعداد واژه رابطه معناداری وجود دارد. به عبارتی دقیق‌تر ۶۱٪ از تغییرات تعداد پیوستگی و تعداد واژه در کوچه و ۷۶٪ از همین تغییرات در امثال و حکم به صورت همزمان اتفاق می‌افتد در حالی که ۳۹٪ از تغییرات این متغیرها در کوچه و ۳۴٪ در امثال و حکم به صورت جداگانه و مجزا اتفاق می‌افتد. به عبارتی، در امثال و حکم همبستگی بالاتری بین تعداد پیوستگی و تعداد واژه در مقایسه با کوچه وجود دارد. این بدان معناست که گفتمان امثال و حکم، بیشینه و گفتمان کوچه کمینه است. بنابراین، ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات لزوماً نباید بیشینه باشند، چون علیرغم همبستگی پایین‌تر بین تعداد عوامل پیوستگی و تعداد واژه در کوچه، گفتمان آن قابل فهم، یکدست و یکپارچه است.

جدول ۹: نتایج سنجه‌های خی دو و میانه در رابطه با تفاوت NC & NW در امثال و حکم و کوچه

متغیر	تعداد	میانه	فراوانی	کوچه	امثال و حکم	درجه آزادی	نتایج آزمون خی دو با تصحیح یش ^۱	سطح معناداری
NC	۱۰۲۱	۳	بالاتر از میانه	۱۵۶	۲۲۱	۱	۱/۱۴	۰/۲۸
			پایین‌تر یا مساوی میانه	۲۹۰	۳۵۴			
NW	۱۰۲۱	۹	بالاتر از میانه	۱۶۲	۳۰۱	۱	۲۵/۳۸	۰/۰۰۱
			پایین‌تر یا مساوی میانه	۲۸۴	۲۷۴			

همان‌طور که در جدول (۹) نشان داده شده است، نتایج سنجه خی دو تصحیح شده نیز نشان می‌دهد تفاوت NC & NW در امثال و حکم و کوچه با توجه به فراوانی NC & NW در مقدار بالاتر از میانه و نیز پایین‌تر یا مساوی میانه تنها در NW معنادار است. به عبارت دیگر، در حالی که فراوانی NC بالاتر از میانه در کوچه کم‌تر از امثال و حکم است (۱۵۶ در مقابل ۲۲۱) و همچنین فراوانی NC پایین‌تر و مساوی میانه

1. Yates' Correction

در *امثال و حکم* بیشتر از *کوچه* است (۳۵۴ در مقابل ۲۹۰) اما این تفاوت معنادار نمی‌باشد. این در حالی که است فراوانی *NW* بالاتر از میانه در *کوچه* ۱۶۲ و در *امثال و حکم* ۳۰۱ است و همچنین فراوانی *NW* پایین‌تر و مساوی میانه در *امثال و حکم* ۲۷۴ در مقابل ۲۸۴ در *کوچه* است که این تفاوت‌ها معنادار می‌باشد. همچنین، برای مقایسه تعداد عوامل پیوستگی و تعداد واژه‌ها و درک تفاوت آنها در دو فرهنگ، از سنجۀ میانه استفاده شده است. از آنجا که ماهیت داده‌ها بر اساس فراوانی است و پیش‌فرض‌های آزمون‌های پارامتری به کارگرفته نشده‌اند، بنابراین سنجۀ میانه نشان می‌دهد بر اساس فراوانی متغیرها در هر دو فرهنگ تساوی شاخص‌ها نزدیک به مرکز است. به عبارت دیگر، با این سنجۀ به این مسأله پی می‌بریم که آیا دو متغیر مستقل تعداد پیوستگی و تعداد واژه دارای میانه یکسانی هستند یا نه؟ نتیجۀ این سنجۀ نشان می‌دهد که در متغیر تعداد پیوستگی هیچ تفاوتی بین *کوچه* و *امثال و حکم* وجود ندارد (میانه=۳، $p=0.256$). بنابراین می‌توان ادعا کرد که این متغیر در هر دو فرهنگ دارای شکل و میانه یکسانی است و هیچ تفاوت معناداری در توزیع فراوانی آن وجود ندارد. در حالی که نتیجۀ همین سنجۀ نشان می‌دهد که در متغیر تعداد واژه، تفاوت معناداری بین دو فرهنگ وجود دارد (میانه=۹، $p=0.001$). همانطور که در *کوچه* ملاحظه می‌شود، ۲۸۶ ضرب‌المثل دارای تعداد واژه ۹ و ۱۶۲ ضرب‌المثل دارای تعداد واژه ۹ هستند و این در حالی است که در *امثال و حکم* ۳۰۱ ضرب‌المثل و اصطلاح دارای تعداد واژه ۹ و در سایر ضرب‌المثل‌ها (۲۷۴)، تعداد واژه ۹ است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که میانه توزیع تعداد واژه در *کوچه* بسیار پایین‌تر از میانه تعداد واژه در *امثال و حکم* است و بدین طریق باز هم کمینگی *کوچه* تأیید می‌شود. در زیر شرح کلی پیوستگی در دو فرهنگ نمایش داده می‌شود و سپس با استفاده از سنجۀ *خی* دو تفاوت آنها بررسی می‌شود:



نمودار ۳: شرح کلی پیوستگی در دو فرهنگ

همان طور که در نمودار فوق ملاحظه می‌شود، در کوچه فراوانی پیوستگی واژگانی بالاتر است در حالی که در امثال و حکم حالت عکس آن یعنی فراوانی پیوستگی دستوری بیشتر است.

جدول ۱۰: نتایج سنجۀ خی دو بین پیوستگی دستوری و واژگانی در کوچه و امثال و حکم

سطح معناداری	درجه آزادی	خی دو	باقی مانده	تعداد مورد انتظار	تعداد مشاهده شده	فرهنگ	پیوستگی
.۰۰۰۱	۱	۱۹۳/۴۵۷	۲۶۷	۷۳۷	۱۰۰۴	امثال و حکم	دستوری
			-۲۶۷	۷۳۷	۴۷۰	کوچه	
					۱۴۷۴	جمع کل	
.۳۳۶	۱	.۹۲۴	۲۰/۵	۹۰۹/۵	۹۳۰	امثال و حکم	واژگانی
			-۲۰/۵	۹۰۹/۵	۸۸۹	کوچه	
					۱۸۱۹	جمع کل	

جدول (۱۰) تفاوت فراوانی پیوستگی واژگانی و دستوری را در امثال و حکم و کوچه نشان می‌دهد. طبق جدول در حالی که فراوانی مشاهده شده پیوستگی دستوری به فراوانی مورد انتظار آن ۱۰۰۴ در مقابل ۴۷۰ است، این مقدار برای پیوستگی واژگانی، ۹۳۰ در مقابل ۸۸۹ است. بنابراین، نتایج این سنجۀ نشان می‌دهد که تفاوت امثال و حکم و کوچه فقط در فراوانی پیوستگی دستوری معنادار است، ($p = .۰۰۰۱$)، در حالی که در پیوستگی واژگانی بین دو فرهنگ تفاوت معناداری وجود ندارد ($p = .۳۳۶$).

جدول ۱۱: نتایج سنجۀ خی دو بین عوامل مختلف پیوستگی دستوری در کوچه و امثال و حکم

سطح معناداری	درجه آزادی	خی دو	متغیر (نوع پیوستگی)
.۴۶۱	۱	.۵۴۲	حذف
.۰۰۰۱	۱	۲۰/۶۳۳	ارجاع
.۰۰۰۱	۱	۱۵۱/۹۸۴	پیوند
.۰۰۰۱	۱	۴۱/۶۵۷	که دستوری

در جدول (۱۱) نتایج سنجۀ مجذور خی بین عوامل مختلف پیوستگی دستوری در دو فرهنگ نمایش داده شده است. در میان عوامل مختلف پیوستگی دستوری در دو فرهنگ، به لحاظ عوامل ارجاعی، پیوندی، و "که" دستوری تفاوت معناداری بین آنها وجود دارد ($p < .۰۵$) در حالی که در عامل حذف، تفاوت معناداری بین دو فرهنگ وجود ندارد ($p > .۰۵$).

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهند:

(۱) هر دو پیکره در ساختار گفتمانی خود از هر دو عامل پیوستگی دستوری و واژگانی بهره می‌گیرند اما توزیع فراوانی عوامل مختلف پیوستگی در آنها متفاوت است. (۲) مطابق با سامانه انسجام موردنظر هلیدی-متیسن، در ۱۸/۸۳٪ از ضرب‌المثل‌های کوچک و در ۳۱/۴۷٪ از ضرب‌المثل‌های امثال‌وحکم هیچ گونه عامل پیوستگی وجود ندارد که در این موارد عامل انسجام کارکردی و مربوط به عامل همبستگی است و نه پیوستگی. (۳) در ۶۷/۴۸٪ از ضرب‌المثل‌های کوچک و در ۷۲/۱۷٪ از ضرب‌المثل‌های امثال‌وحکم بیشتر از یک عامل پیوستگی اعم از واژگانی یا دستوری (تعداد پیوستگی=۲، ۳ و یا بزرگ‌تر از ۳) وجود دارد. (۴) سنجه‌خ‌ی دو نشان می‌دهد فقط در عوامل پیوستگی دستوری بین دو فرهنگ تفاوت معناداری وجود دارد ($p=/.0001$) در حالی که در پیوستگی واژگانی بین دو فرهنگ تفاوت معناداری وجود ندارد ($p=/.336$). (۵) از دیگر نتایج سنجه‌خ‌ی دو این است که بین دو فرهنگ فقط در عامل حذف تفاوت معناداری بین آنها وجود ندارد ($p>/.05$) در حالی که به لحاظ عوامل پیوستگی دستوری از جمله عوامل ارجاعی، پیوندی و که دستوری تفاوت آنها معنادار ($p</.05$) است. (۶) نتایج سنجه‌میانه نیز نشان می‌دهد که بین دو فرهنگ در تعداد پیوستگی تفاوت معناداری وجود ندارد (میانه=۳ و $p=/.256$) از طرف دیگر، این سنجه نشان می‌دهد که بین دو فرهنگ در تعداد واژه (میانه=۹ و $p=/.0001$) تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارتی، میانه توزیع تعداد واژه در کوچک بسیار پایین‌تر از میانه توزیع تعداد واژه در امثال‌وحکم است و بنابراین کمینگی کوچک تأیید می‌شود. (۷) همبستگی پیرسون بین تعداد عوامل پیوستگی و تعداد واژه نشان می‌دهد که همبستگی بالاتری بین تعداد عوامل پیوستگی و تعداد واژه در امثال‌وحکم در مقایسه با کوچک وجود دارد و بنابراین می‌توان چنین ادعا کرد که گفتمان کوچک همبسته‌تر و کمینه‌تر در حالیکه گفتمان امثال‌وحکم پیوسته‌تر و بیشینه‌تر است. (۸) با تمرکز بر تفاوت پیوستگی و همبستگی، می‌توان چنین نتیجه گرفت که گفتمان در ضرب‌المثل‌ها به لحاظ عوامل پیوستگی، پیوستاری می‌سازد که دو سوی آن "بیشینگی" و "کمینگی" است و گرچه "گفتمان کمینه" ماهیت اصلی ضرب‌المثل است و این نوع گفتمان دارای حداقل بافتار زبانی (یک جمله) و ویژگی [± همبسته] و [± پیوسته] است اما گفتمان ضرب‌المثلی لزوماً نباید بیشینه باشد. (۹) بنابراین، انسجام در ضرب‌المثل‌های زنان در دو پیکره مورد بررسی با استفاده از الگوی هلیدی-متیسن و براساس پیوستار پیوستگی تبیین می‌شود.

منابع

- آریان‌فر، سیمین (۱۳۸۵)، بررسی شماری از ضرب‌المثل‌های فارسی بر اساس طرح واژه‌های تصویری در چارچوب نظریه معنی‌شناسی شناختی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
- برزن، غلامرضا (۱۳۸۵)، بررسی مقایسه‌ای ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۶)، *امثال و حکم*، جلد اول تا چهارم. تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ساده، مهدی (۱۳۵۵)، کاربرد ضرب‌المثل در توجیه فرهنگ عامیانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- سونو، راگساکول (۱۳۸۴)، مقایسه ضرب‌المثل‌های رایج در فارسی معاصر با ضرب‌المثل‌های زبان تایلندی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- شاملو، احمد (۱۳۸۱)، کتاب کوچیک: جامع لغات و اصطلاحات فارسی، جلد اول تا یازدهم، تهران، مازیار.
- شاملو، ناهید (۱۳۸۷)، «بررسی و مقایسه سیمای زن و مرد در امثال و حکم دهخدا»، پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب، ۴(۶): ۲۱۹-۲۳۳.
- Berzalanovich, I. 2008, *lexical cohesion and the organization of discourse*. Doctoral Dissertation, University of Groningen.
- Briggs, C. L. 1985, "the pragmatics of proverbs performances in new mexican Spanish, *American Anthropologist*, New Series, 87 (4): 793-810.
- Brown, G. and Yule G. 1983, *discourse analysis*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Bublitz, W. 1999, "introduction: views on coherence", *Incoherence in spoken and written discourse. how to create it and how to describe it*. Amsterdam: John Benjamin, 1-7.
- Carrell, P. L. 1982, "cohesion is not coherence", *TESOL Quarterly*, 16(4): 479-488.
- Contento, S. 2000, "gestural cohesion in discourse", *Psycholinguistics on the threshold of the year 2000*: 701-705.
- Cristea, D., Ide, N., and Romary, L. (1998), "veins theory: A model of global discourse cohesion and coherence", It is available at: <http://www.Cs.Vassar.edu/~ide/papers/Coling98.pdf>.
- Dontchea-Navratilova, O. and Povolna, R. (2009), *coherence and cohesion in spoken and written discourse*, Cambridge Scholars Publishing.
- Dooley, R. A. and Levinson, S. H. (2001), *analyzing discourse: A manual of basic concepts*, Dallas: SIL International.
- Fakoya, A. A. (2007), "sexually-grounded proverbs and discourse relevance: Insights from Yoruba", *California Linguistics Notes*, XXXII (2):1-30.
- Halliday, M. and Hasan, R. (1976), *cohesion in English*, London: Longman.
- Halliday, M. and Matthiessen, C. (2004), *an introduction to functional grammar*, London: Arnold.
- Harnish, R. M. (1993), "communicating with proverbs", *Communication & Cognition*, 26. 3(4): 265-290.
- Jasa, U. 2009, "aspects of discourse cohesion in Lahu Si folktales", M.A thesis in Linguistics, Payap University, Faculty of Arts.
- Moreno, A. I. 2005, "an analysis of the cognitive dimension of proverbs in English and Spanish: the conceptual power of language reflecting popular believes". *SCASE Journal of Theoretical Linguistics*. 2 (1): 42-54. Also available at: <http://www.pulib.sk/skase/Volumes/JTL02/04.pdf>.

- Ripich, D. N. and Terrell, B.Y. 1988, "patterns of discourse cohesion and coherence in alzheimer's disease", *Journal of Speech and Hearing Disorders*, 53:8-15.
- Steyn, L. 2006, *reflection on wise living: Analysis of proverbs 3*, M. A thesis in the Department of Biblical and Religious Studies at the Faculty of Humanities, University of Pretoria.
- Storm, H. 1992, "women in Japanese proverbs", *Asian Folklore Studies*, 51: 167-182.
- Taboada, T. 2004,
<http://www.benjamins.com/cgi-bin/tbookview.cgi?bookid=p%26bn%20129>.
- Widdowson, H. G. (2007), *discourse analysis*, Oxford: Oxford University Press.
- Yeh, C. 2004, "the relationship of cohesion and coherence: A contrastive study of English and Chinese", *Journal of Language and Linguistics*, 3(2): 243-260.
- Young, L. and Fitzgerald, B. 2006, *the power of language: How discourse influences society*, London: Equinox.